

# بد خدا شناسی

(بخش چهارم)

## اعتماد بر «ظن» در : پندار ، گفتار و کردار

میزان درک و فهم ما از مسائل ، طیفی را تشکیل میدهد که یکطرف آن شناخت دقیق و کامل و طرف دیگر وهم و خیال میباشد . اگر شناخت متکی بر مستندات علمی و دلیل و منطق و با ژرف نگری و تجربه عملی توأم باشد ، " یقین " نامیده میشود . آنچنان که در قرآن آمده است :

تکاثر، آیات ۵ تا ۷ - كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

چنین نیست ، اگر علم یقینی داشتید ، قطعاً ( در دنیا با چشم خرد ) و سپس ( در آخرت ) با چشم یقین آنرا می دیدید.

پائین تر از علم ، " ظن " و گمان است ، که نه متکی بر شواهد و دلائل علمی است ، که قابل اثبات باشد ، و نه آنقدر بی پایه و اساس که خیال واهی تلقی گردد . در واقع " ظن " نوعی تصور و احتمال ذهنی روشن است که شخص خیال می کند حتماً درست است!

در امور عادی زندگی البته اشکال چندانی ندارد اگر مطابق ظن و گمان خود عمل کنیم ، فرضاً اگر گمان کنیم که هوا بارانی خواهد بود و به این دلیل به سفر یا سر کار نرویم ، در این حالت فقط از کارمان عقب افتاده ایم که قابل جبران می باشد . اما اگر نسبت به دیگران بر اساس ظن و گمان عمل کنیم ، ممکن است در صورت اشتباه مرتکب جور و جفائی در حق آنان گردیم و ستمی از ما سر بزند . و همینطور در امور معنوی و در باره خدا و آخرت.

به این حالت میگویند " سوء ظن " ( بدگمانی ) که ریشه اش نه از واقعیات بیرونی ، بلکه از بدگمانی های درونی نفس آدمی است . اما " حسن ظن " ( خوش گمانی ) هم داریم که از مثبت نگری و خوش بینی نسبت به دیگران ناشی می شود . اتفاقاً قرآن هر دو حالت را بیان کرده است:

## الف - سوء ظن ( سوره حجرات آیه ۱۲ )

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که برخی از آنها گناه است، در کار مردم تجسس و غیبت نکنید. آیا هیچیک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ حتماً از آن کراهت دارید (اما عملاً با ترور شخصیتی او همین کار را می کنید! یعنی با تضعیف او خود را فربه می سازید). پس از خدا پروا کنید که او توبه پذیر مهربان است.

## ب - حسن ظن (سوره نور آیه ۱۲)

در این آیه هشدار خدا را نسبت به کسانی که با آبروی مردم سهل انگارانه بازی می کنند و سخنان ناروا در باره نوامیس مردم می پراکنند می خوانید، سخنانی که بی هیچ شاهد عادل، فقط مبتنی بر ظن و گمان و شایعات بی پایه است:

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

چرا وقتی آن شایعه را شنیدید، شما مردان و زنان مؤمن! نسبت به هم خوشبین نبودید و نگفتید این دروغ آشکاری است؟

این مناسبات را چه زیبا مولانا در مثنوی معنوی اش بیان کرده است (دفتر ۵ ابیات ۲۶۴۵ بعد):

این همه وهم تو است ای ساده دل	ور نه بر تو نه غشی دارم نه غل
از خیال زشت خود منگر به من	بر محبان از چه داری سوء ظن
ظن نیکو بر بر اخوان صفا	گر چه آید ظاهر از ایشان جفا
این خیال و وهم بد چون شد پدید	صد هزاران یار را از هم بُرید
مُشفقی گر کرد جور و امتحان	عقل باید که نباشد بد گمان
عالم وهم و خیال طمع و بیم	هست رهرو را یکی سد عظیم
غرق گشته عقل های چون جبال	در بحار وهم و گرداب خیال
زین خیال رهن راه یقین	گشت هفتاد و دو ملت اهل دین

البته ما در پاره ای از امور چاره ای جز ظن و گمان و حدس و احتمال نداریم، اما همان طور که هرگز در

مصرف داروی غیر مطمئن با سلامتی و جان خود بازی نکرده و خود را به دامان ریسک رها نمی سازیم ، در بسیاری از امور جز با اطمینان علمی نمی توان سخن گفت و گام گذاشت.

ظن و گمان ممکن است در برخی موارد لازم باشد ، اما مسلماً " شرط کافی " نیست و برای رسیدن به حقیقت هرگز کفایت نمی کند . بازهم مولوی در تشبیهی زیبا ، ظن را پریدن با یک بال و علم را پرواز با دو بال شمرده است که بر افق ها پر می زند:

علم را دو پر گمان را یک پر است      ناقص آمد ظن به پرواز ابتر است  
مرغ یک پر زود افتد سرنگون      باز بر پرد دو گامی یا فزون  
افت و خیزان می رود مرغ گمان      با یکی پر بر امید آشیان  
چون ز ظن وارست علمش رو نمود      شد دو پر آن مرغ یک پر ، پر گشود

دفتر سوم ۱۵۱۱ بعد

قرآن در مواردی "ظن" را مقابل "یقین" قرار داده است تا در این تقابل ، که یکی بر ذهن محدود آدمی و دیگری بر وحی الهی تکیه دارد ، بی اعتباری اعتماد کردن به گمان های خود را تاکید کرده باشد :

جائیه ۳۲ ( در باره قیامت ) .... وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ

... و هر گاه به آنها گفته می شود وعده خدا راست است و ساعت قیامت تردیدی در آن نیست، می گوئید ما نمیدانیم ساعت قیامت چیست ، تنها تصویری از آن داریم و به یقین نرسیده ایم .

نساء ۱۵۷ ( در باره ادعای کشته شدن حضرت عیسی )

.... وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

...و این سخنان که : ما عیسی مسیح پسر مریم فرستاده خدا را کشتیم !! در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند ، بلکه امر بر ایشان مشتبه شد . آنها ئی که در باره او دچار اختلاف شدند در شک و تردید هستند ، هیچ دانشی بر این ادعا ، جز پیروی از ظن و گمان ، ندارند . و به یقین او را نکشتند .

دیگر از مواردی که ظن و گمان آدمی سایه برافکار و اوهام مردم در طول قرن‌ها انداخته است ، تصور مؤنث بودن ملائک است ! کسی هم سؤال نمی کند آخر این نقاشی ها و تابلوهای زیبایی که فرشتگان را بصورت حوریان بهشتی یا کودکان بال و پر دارند می دهند از کجا ریشه گرفته است !؟

به نظر می رسد این تفکرات ریشه در همان اساطیر یونان باستان و سخنان تحریف شده پیامبران پیشین داشته باشد که به تدریج همه فرهنگ ها را پر کرده است . به طوری که مشرکین معاصر پیامبر اسلام نیز مُجدانه بر آن باور داشتند :

نجم ۲۷ و ۲۸ ( در رد تصورات مؤنث شمردن فرشتگان )

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

برای آنها در این ادعا هیچ دانشی نیست ، فقط دنباله روی از ظن و گمان می کنند ، در حالیکه ظن و گمان آدمی را از ( دانستن علمی ) حق بی نیاز نمی کند.

ماهیت فرشتگان را که غیر مادی هستند ، فقط از وحی میتوان سراغ گرفت:

از حق " ان الظن لا يغني " رسید      مرکب ظن بر فلک ها کی دويد ؟

دفتر اول بیت ۳۴۶۱

مولوی ظن و گمان را به برق لحظه ای آسمان در روزهای بارانی و " وحی " را به اشراق و طلوع خورشید جهانتاب تشبیه کرده است:

راه کردی لیک در ظنِ چو برق      عُشْرَانِ رَهْ كُنْ پِي وَحِيْ چو برق

ظن لایغنی من الحق خوانده ای      وز چنان برقی ز شرقی مانده ای

دفتر ششم بیت ۱۴۳۰

ظن در مرحله ذهن و احساس قلبی است ، همینکه به زبان آید و شکل ادعا و اظهار نظر بگیرد در اصطلاح قرآنی " خرص " نامیده میشود که مفهوم گفتار تخمینی دارد ، همچو تیری که در تاریکی رها شود :

انعام ۱۱۶، ۱۴۸ - وَإِنْ تَطَعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

آنها جز از پندار پیروی نمی کنند و جز سخن تخمینی نمی گویند ،

زخرف ۲۰ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ  
برای این گفتار هیچ گونه دلیل علمی ندارند و فقط اظهار نظر تخمینی میکنند.

عقل جزوی آفتش وهم است و ظن زانکه در ظلمات او را شد وطن

دفتر سوم بیت ۱۵۵۹

سالها گر ظن دود با پای خویش      نگذرد ز اشکاف بینی های خویش  
تا به بینی نایدت از غیب بو      غیر بینی هیچ می بینی بگو

دفتر ۵ ابیات ۲۶۴۵ بعد

## ظن و گمان در باره خدا

در ابتدای این سلسله مباحث اشاره کردیم که بد خداشناسی نه اصطلاحی ابداعی بلکه واژه ای قرآنی است که ناشی از قیاس به نفس بشری و شناخت خداوند و دینداری از زاویه منافع فردی و مصلحت اندیشی های محدود و " انسان مدارانه " دنیائی است . منظور از بد خداشناسی ، نه نا باوری نسبت به خالق هستی ، بلکه بدفهمی مشیت و نظاماتی است که در جهان بر قرار کرده و نا درستی انتظاراتی است که به خیال های خود محورانه از خدا داریم.

وقتی اوضاع و احوال بر وفق مراد می گذرد و هنوز مسئله و مشکلی نداریم ، البته ادعاهای ایمانی محکم و پابرجاست ، اما همینکه محک تجربه پیش آید و مصیبت و مشقتی حادث شود ، در این تنگناهاست که صداقت ایمان اثبات می گردد.

دشواری های زندگی یکی دو تا هم که نیست ؛ بیماری ، فقر ، ورشکستگی ، مرگ عزیزان و... تماما آزمایشگاه صبر و مقاومت آدمی است . از همه سنگین تر جنگ و جهاد است که ایمان را در کوره ابتلایش آبدیده می کند.

شکست فاجعه آمیز نبرد " احد " که اسلام را تا لبه نابودی پیش برد و تلفات بسیار سنگینی ، از جمله شهادت حمزه فرمانده و حدود یک چهارم سپاه اسلام ، همچنین مجروح و مصدوم شدن پیامبر را بر مسلمانان وارد کرد ، مسلمانان اولیه را در معرض ابتلای بزرگی قرار داده بود.

تا کسی خود را در چنان لحظه خونین و خطر باری تصور نکند ، نمی تواند عمق فاجعه و فضای تیره و تردید آور آنرا درک کند . در چنین شرایطی است که جمعی از مجروحان و نجات یافتگان خسته و خسران دیده که پیرامونشان را شهیدان به خون خفته و زخمیان زمین خوره پر کرده است ، به خود می اندیشند و اصل قضیه و اصالت راهشان را مورد تردید قرار میدهند . مگر نه این است که ما تنها گروه مومن به کتاب خدا و رسول او هستیم ؟ مگر نه این است که آنها مشرک و بت پرستند ؟ مگر نه این است که هر کسی تکیه گاهی در زندگی می جوید تا در پناه آن امنیت یابد ؟ اگر خدای محمد قادر مطلق است چرا از حمایت رسول و مؤمنین اش ناتوان بود و...؟

در این فضای پر ابهام که ابرهای تاریک شک و تردید آنرا پوشانده بود و بد خداشناسی های جمعی سست ایمان و سطحی نگر همه چیز را زیر سؤال می برد ، تحلیل های تبیین کننده سوره آل عمران روحیه تازه ای می بخشد:

آل عمران ۱۵۴ - ... وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ....

... و گروهی را حفظ جان، سخت به خود مشغول داشته بود ، آنها همچون پندارهای دوران جاهلیت در باره خدا گمان میکردند ؛ ( و در اعتراض به شیوه تصمیم گیری در جنگ ) می گفتند ...

شکست بدر یکی از آزمایشگاه های ایمان بود ، جنگ احزاب و صحنه های سرنوشت ساز دیگر نیز هر کدام کلاسهای برای آموزش سنت ها و نظامات خدائی در جوامع بشری بودند که به تدریج حادث می شدند:

سوره احزاب آیات ۸ تا ۲۷ در تحلیل حوادث مربوط به ائتلاف نیروهای شرک و کفر و نفاق علیه مسلمانان آیات ۱۰ تا ۱۲ - إِذْ جَاؤُوكُمْ مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا  
وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

آنگاه که از فراز و نشیب (شهر) بر شما هجوم آوردند و چشمها از وحشت خیره مانده و جانها به گلوگاه رسیده بود و (پاره ای از شما) گمانهای نادرستی به خدا می بردید. آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و عده ای از بیم دشمنان سخت خود را باختند. آنگاه که دو رویان و بیمار دلان می گفتند: وعده های خدا و رسولش فریبی بیش نبود!؟

سوره فتح آیات ۶ و ۱۲ (در ارتباط با واقعه صلح حدیبیه)

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

تا خدا مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب کند، (همان) بدگمانان به خدا (که شکست مؤمنان را انتظار می کشیدند). حوادث سوء (شکست و خذلان) بر آنها خواهد بود و....

.... بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَبُّنَا ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا

... بلکه شما می پنداشتید هرگز تا ابد رسول و مؤمنین (زنده) نزد اهلشان باز نخواهند گشت! و چنین پنداری در دلتان نیک جلوه کرده بود و تصورات بدی در باره خدا داشتید و مردمی تباه بودید.

## بد خدا شناسی در بُعد آخرت

واژه "ظن" بیش از هر چیز در قرآن در باره قیامت آمده است، چرا که بیش از بقیه امور با درک و دانش بشری فاصله دارد و میدان گسترده تری برای جولان ظن و گمان می گشاید. پرداختن به این دسته آیات و برداشت از آموزه های آن از ظرفیت این رساله خارج است، اما به عنوان نمونه می توان موضوع ناباوری به ثبت و ضبط اعمال را مطرح کرد که موضوع مبتلابه منکرین معاد است.

شگفت این که ما از ذخیره انبوه عظیم اطلاعات در کامپیوترهای خود مطلعیم و هرگاه اراده کنیم میتوانیم آنها را در مانیتور مقابل خود حاضر نماییم، اما گویا باور نداریم آفریننده مغزما توانای بر این کار باشد!؟

اتومبیل های مدرن امروز عموماً مجهز به ابزار راهیابی (Navigator, GPS) هستند که از طریق تبادل امواج با ساتلایت های سیار در جو زمین راننده را هدایت میکنند. اینک میلیون ها انسان در نقاط پراکنده عالم در حال هدایت شدن با دستگاه های رهبری از راه دور برای رسیدن به مقصد خود هستند. همه این ها را مغز ما ساخته است. آیا آفریننده مغز از این کار عاجز است؟!

در تجهیزات بشر ساخته فقط هماهنگی کدهای به کار برده شده در ابزار دو طرف کافی است تا کلیه اطلاعات را منتقل کند، آیا سازنده چشم و گوش و پوست دسترسی به اطلاعاتی که این اعضا در مدت کارکردشان کسب کرده اند ندارد و نمی تواند آنرا از بایگانی ذره ای سلول هایشان بیرون آورد؟!

اینک نگاه کنید به " بد خدشناسی " منکران در فهم مکانیسم ثبت و ضبط اعمال در زندگی دنیا:

سوره فصلت آیات ۱۹ تا ۲۳

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَقَالُوا لِمَ لَجَلْنَا لِهٰذَا لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ  
وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَمَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ. وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

روزی که دشمنان خدا را باز داشته به سوی آتش احضار کنند، چون به دوزخ رسند، گوش و چشم و پوستشان بر آنچه کرده اند گواهی دهند! به پوستهایشان گویند: شما چرا علیه ما گواهی دادید؟! گویند: خدائی که همه موجودات را گویا کرده، ما را نیز به سخن آورده است. در حالی که او نخستین بار شما را آفرید و به پیشگاه او باز گردانده می شوید ( چرا تعجب می کنید سازنده بی خبر از ساختش باشد!). شما ( در دنیا) توانائی پوشاندن گوش و چشم و پوستتان را ( از ثبت و ضبط اعمالتان) نداشتید. و گمان می کردید خدا بسیاری از اعمالتان را (که پنهانی مرتکب می شدید) نمیداند، همین پندارها بود که سرانجام موجب هلاکتان گردید و زیانکار شدید.

این بحث را با ابیاتی از مثنوی مولوی حسن ختام می بخشیم:



پرتوی بر قلب زد خالص بین      بی محک زر را مکن از ظن گزین  
گر محک داری گزین کن ورنه رو      نزد دانا خویشان را کن گرو  
یا محک باید میان جان خویش      ورندانی ره ، مرو تنها تو پیش

دفتر دوم ابیات ۷۴۸ بعد

روح را تابان کن از انواع ماه      که ز آسیب ذنب جان شد سیاه  
از خیال و وهم و ظن بازش رهان      از چه و جور رسن بازش رهان

دفتر ششم ابیات ۲۸۰۰ بعد